



انقلاب اسلامی برای ارتقای قدرت ملت ایران چه نسخه‌ای داشت؟

# پیامی برای ایران قوی



آرشو عکس، روزنامه ایران

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی ماه سال جاری، بر «ضرورت قوی‌تر شدن ملت ایران» به‌عنوان راهبرد محوری برای برون‌رفت از مشکلات ناشی از فشارهای دولت آمریکا بر کشور تأکید کردند. اما بواقع قوی‌تر شدن ملت ایران از رهگذر تأسی به کدام مبانی و ارزش‌ها تحقق‌پذیر

است؟ هرچند مجموعه‌ای از عوامل می‌تواند بر قدرت ملی کشورها مؤثر باشد اما به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی می‌توان از ظرفیت‌های موجود گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل مهم و بنیادین برای قدرت ملی کشور نام برد که تقویت و عملیاتی کردن هرچه بیشتر این گفتمان می‌تواند زمینه را برای ارتقاء قدرت ملی بیش از پیش فراهم آورد.

مهم‌ترین ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی برای داشتن ایرانی قوی چنین مؤلفه‌هایی هستند:

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود گفتمان انقلاب اسلامی که در جریان پیروزی انقلاب احیا و تقویت شد ارتباط میان «جامعه» و «سیاست» بود. این در حالی است که پیش از انقلاب

میان سیاست و جامعه ارتباطی وجود نداشت و حکومت مجزا از جامعه بود. بعد از انقلاب تقویت این ارتباط بین جامعه و سیاست در قالب جمهوریت نظام جدید شکل گرفت و موجب شد تا «مردمی بودن انقلاب» مهم‌ترین نقطه‌قوت آن محسوب شود. و نقش مردم در عرصه سیاست و در مراکز مختلف تصمیم‌گیری و سیاستگذاری فعلیت و تداوم پیدا کند؛ به‌طوری که می‌توان گفت گردش نخیکان سیاسی در ایران محصول ارتباط جامعه و سیاست بوده است.

بر اساس مؤلفه «جمهوریت نظام» جریان‌های مختلف سیاسی به‌قدرت رسیدند. همچنین گفتمان‌های مختلف سیاسی حاکم تحت تأثیر این مکانیزم و تحت تأثیر خواست و دغدغه اکثریت مردم در هر دوره به پیروزی رسیدند. این ظرفیت باعث شد تا «مردم» به‌عنوان مهم‌ترین پشتوانه نظام سیاسی ضمن مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها، همواره از آن دفاع کنند و «جمهوریت» منشأ قدرت نظام سیاسی در ایران بعد از انقلاب محسوب شود.

**دومین** ظرفیت گفتمان انقلاب اسلامی در راستای قدرت ملی «اسلامیت نظام» است. انقلاب ایران یک دگرگونی سیاسی صرف نبود بلکه به‌دنبال حاکمیت تفکر و اندیشه ایرانیان مسلمانی بود که دارای پشتوانه فرهنگی غنی اسلامی بودند. و

تلاش کرد تا این فرهنگ را به عرصه سیاسی پیوند زند که این پیوند باعث قدرت انقلاب ایران شد. یکی از دلایل ماندگاری انقلاب ایران، تأکید بر باورها و اعتقادات اسلامی است. به همین دلیل است که با وجود اینکه بسیاری از مردم درگیر مشکلات جدی اقتصادی هستند اما بر اساس اعتقاداتشان از نظام حمایت و دفاع می‌کنند. در واقع آن اعتقاد است که انرژی لازم برای حمایت مردم از نظام و کشور در مقابل تهدیدات را تأمین می‌کند.

**سومین** ظرفیت گفتمان انقلاب اسلامی، بحث استقلال و دوری از وابستگی به قدرت‌های بزرگ و خودباوری ملی است. انقلاب ایران مبتنی بر خواست تاریخی ملت ایران سعی کرد یک «دولت ملی مستقل» را شکل دهد و همه تلاشش این بود که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ رهایی یابد، خود تصمیم بگیرد و خود مناقعش را مشخص کند. اما استقلال ایران مورد پسند قدرت‌های حاکم بر نظام بین الملل نیست و آنان اجازه نمی‌دهند که یک قدرت جدید در منطقه خارج از قدرت هژمون آنان، شکل گرفته و نقش آفرینی کند؛ بنابراین، از همان ابتدا چالش بین این قدرت‌های مسلط بر نظام بین‌الملل و انقلاب شکل گرفت. این چالش در عرصه‌های مختلف ایجاد شد تا جهت‌گیری‌های سیاسی در ایران همسوبا منافع قدرت‌های

مسلط جهانی شود. به این منظور آنان اقدامات مختلفی را آغاز کردند تا نیروهای خاصی را در ایران روی کار آورند، شکاف‌های داخلی را در ایران تقویت کنند، کودتا و جنگ راه بیندازند و در نهایت ما را با تحریم مواجه کنند. هدف از همه این اقدامات این بود که نگذارند یک قدرت جدید در یک کشور مستقل، برای منافع و مصالح خود تصمیم بگیرد؛ زیرا بر اساس منطق حاکم بر نظام بین‌الملل، این قدرت جدید باید در چارچوب قواعد تعریف شده نظام بین‌الملل و در چارچوب تعریف شده یکی از قدرت‌های مسلط حرکت می‌کرد. در عرصه نظام بین‌الملل اجازه داده نمی‌شود که کشوری قدرت هژمون را به چالش بکشد، یا در مقابل آن قدرت هژمون بایستد. اما شعار استقلال ایرانیان هر چند از یکسو موجب تهدید و فشار بر آنان شد اما از سوی دیگر موجب افزایش قدرت انقلاب در عرصه‌های مختلف گردید به‌طوری که خروجی استقلال خواهی را می‌توان در رشد باور به توانایی نیروهای خودی و رشد علمی و تکنولوژیک کشور دید چنانکه امروز ایران به یک قدرت در عرصه هوافضا، پزشکی، مهندسی، نانو... بدل شده است و در این زمینه‌ها حرف اول را در منطقه می‌زند. کسب موفقیت‌های علمی نتیجه تلاش‌ها در احیای باورهای خودی و رها شدن از وابستگی است.

**ادامه در صفحه ۸۸**

یادداشت

ایرانی قوی در سایه التفات به اصل آزادی



**دکتر محسن بهشتی‌سرشت**  
هیأت علمی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

حضرت امام(ره) در همان سال‌های نخست انقلاب که لفظ «جمهوری اسلامی» برای برخی ابهام ایجاد کرده بود نکته‌ای تاریخی عنوان کردند: «مسیر شما مسیر اسلام است، مسیر شما این است که جمهوری اسلامی را بپا کنید. من رأی به جمهوری اسلامی می‌دهم و از شما تقاضا دارم که رأی به جمهوری اسلامی بدهید، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد». «جمهوری اسلامی». آنها که

در نوشتجات‌شان از «جمهوری» دم می‌زنند - جمهوری فقط - یعنی اسلام نه. آنهایی که «جمهوری دموکراتیک» می‌گویند یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه. آنها می‌خواهند باز همان مصائب را با فرم دیگر برای ما به بار بیاورند. آنها اصلا در این نهضت دخالت نداشتند.» (صحیفه امام خمینی، جلد ۶، صفحه ۳۵۳).

بنابراین می‌بینیم که حضرت امام(ره) بر «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» تأکید می‌گذارند. چنین تأکیدی بر به‌کار بردن تואمان «جمهوریت» و «اسلامیت» از سوی ایشان در آن دوران و حتی در شرایط امروز ما، بسیار معنادار است. هر دو این الفاظ به ظاهر الفاظ جدیدی بودند که در حکومت جدیدالتأسیس ما عنوان رسمی پیدا کرده بود. در عین حال، این الفاظ در باطن هم از ظرفیت‌های فوق‌العاده جدیدی برخوردارند.

پایه اصلی در «جمهوریت» حضور مردم در تمام عرصه‌ها و مشارکت آنان در اداره کشور است. معنای اصلی جمهوریت، گردش قدرت است و در جمهوریت گردش مدیران و نمایندگان مردمی را شاهد هستیم که در عرصه قدرت حضور دارند.

نکته‌ای که نباید از آن غافل ماند این است که جمهوریت الزاماتی دارد و برای تحقق آن باید این الزامات را مراعات کرد. رضاخان پس از کودتای نظامی خود و بعد از یکی دو سال در صدر حکومت پهلوی از جمهوریت صحبت کرد اما در آن دوران عموم نخیکان اعم از روحانیان و روشنفکران با وی مخالفت کردند و استدلال‌شان این بود که جمهوریت باید خواست و مطالبه اصلی مردم باشد و حضور مردم را تضمین کند نه اینکه دستوری حکومتی و از بالا باشد.

بنابراین، در جمهوریت، گردش قدرت باید با حضور و مشارکت گسترده مردم باشد. برای میسر شدن گردش قدرت در جمهوریت، نیازمند اصل «آزادی اندیشه»، «آزادی بیان» و «آزادی رسانه‌ها» هستیم. نمی‌توان از جمهوریت بدون اصل آزادی حرف زد.

**۳** «آزادی» و «جمهوریت» در واقع دو اصل جدی از ظرفیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی هستند که با تأسی به آنها می‌توان به ایرانی قوی‌تر جامه عمل پوشاند. در این میان، ظرفیتی که بیش از همه می‌تواند در قوی شدن ملت ایران اثرگذار باشد، «اصل آزادی» است. البته منوط به اینکه بسترهای لازم برای نهادینه شدن آن در جامعه فراهم شود. اصل آزادی یکی از شعارهای کلیدی انقلاب اسلامی ما بود؛ انقلاب ما سه شعار اصلی داشت: «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی».

واقعیت این است که استقلال سیاسی، به میزان زیادی فراهم شده است اما اصل آزادی در جامعه ما همچنان محل انتقاد و تردید است. به‌عنوان مثال، در انتخابات پیش رو، بسیاری از کاندیداها رد صلاحیت شده‌اند و این امر انتقاد همه جناح‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان را به‌دنبال داشته است. بنابراین، آزادی نقطه‌ای کلیدی است که می‌تواند برای امروزمان راهگشا باشد چراکه در پس شعار آزادی، همدلی، وحدت، همگرایی و امید اجتماعی هم به وجود می‌آید.

اگر ظرفیت آزادی بر اساس قانون اساسی، به‌صورت کامل مورد استفاده قرار نگیرد، اهدافی چون پیشرفت و توسعه که قوی شدن ملت ایران را به‌دنبال خواهد داشت هم با مشکل مواجه می‌شود. نخیکان، اندیشمندان و خبرگان ما باید احساس اثرگذاری و امنیت داشته باشند. اگر ما بتوانیم ظرفیت‌هایی را که در «اصل آزادی» وجود دارد به‌طور کامل احیا کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که روزه‌روز جامعه به‌سمت مطلوب‌تری پیش خواهد رفت و ایران قوی‌تر از گذشته را شاهد خواهیم بود. مجلس قوی هم در سایه این ظرفیت شکل خواهد گرفت.

مجلس قوی سایر قوا را هم قوی می‌کند؛ چراکه به‌قول حضرت امام(ره): «یکی از اموری که مطمح نظر آنهایی است که می‌خواهند این انقلاب را به شکست برسانند قضیه مجلس است. مجلس یک چیز سحلی نیست کارش. مجلس یک چیزی است که در رأس همه اموری که در کشور است قرار دارد. یعنی مجلس خوب همه چیز را خوب می‌کند و مجلس بد همه چیز را بد می‌کند» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۲). حضرت امام(ره) مجلس را در رأس همه امور می‌خوانند چراکه مجلس است که بر کار سایر قوا نظارت دارد، اگر این نظارت، قدرتمندانه و مبتنی بر آزادی بیان و قلم باشد، قطعاً دستاوردهای قوی را به‌دنبال خواهد داشت.

هدف از شعار «آزادی» در جریان پیروزی انقلاب این بود که کشور از موانعی که بر سر راه آزاداندیشی وجود داشت، رهایی پیدا کند. سال ۵۶ در فضای اختناق دوره پهلوی، دانشجویان بواسطه حضور کارتر در ایران، تظاهراتی هر چند محدود به راه انداختند و مهم‌ترین مطالبه آنان «آزادی بیان» و «آزادی فکر» بود. آن زمان هنوز این مطالبه در بدنه مردم شکل نگرفته بود.

**۵** دو لفظ «جمهوری» و «اسلامی» واجد دریایی از ظرفیت‌ها هستند. جمهوریت با همه الزاماتش و اسلامیت با مغز و ذاتش که دربردارنده قرآن و سیره ائمه اطهار(ع) است را باید شاخص و ملاک قرار دهیم تا کشور و ملت، به سوی پیشرفت و تعالی هر چه بیشتر پیش رود. ما باید افتخار کنیم که مسلمان هستیم چراکه مکتب اهل بیت(ع) از جمهوری‌های دو قرن کنونی هم دموکرات‌تر است. «آزاداندیشی» ذات و مغز مکتب اسلام است و ما از این دو ظرفیت بزرگ بواسطه انقلابی که مردم در سال ۵۷ رقم زدند، برخورداریم.

انقلاب مطالبه مردم بود، اینها همگی عناصر و ظرفیت‌های بالای گفتمان انقلاب اسلامی است که متأسفانه گاهی از برخی از این مبانی غافل شده‌ایم و حتی برخی مواقع خلاف آنها هم عمل می‌کنیم. مشکل اصلی که این روزها در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی هم با آن مواجه هستیم، به موضوع رد صلاحیت‌ها برمی‌گردد. برای ما بسیار سنگین و گران است که بعد از ۴۱ سال احساس کنیم مجلس ممکن است به یک مجلس فرمایشی سوق پیدا کند که همه از ترس اینکه مبادا انتقاد کنند و شورای نگهبان آنان را رد صلاحیت کند، به وظیفه نمایندگی‌شان تمام و کمال عمل نکنند. در سال ۵۷ خواست ملت، مجلسی قوی و ملتی قوی‌تر بود. بی‌شک «ایران قوی» در سایه التفات بیشتر به اصل آزادی تحقق‌پذیر است.



**دکتر یحیی فوزی**  
استاد علوم سیاسی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی